

چکیده

جهانی شدن برآیندی غیر ارادی از یک رشته طرح‌های ارادی و از پیش تعیین شده برای یکپارچگی جهان در زمینه‌های مختلف فرهنگ، محیط زیست، اقتصاد و سیاست است. برخی از آثار این پدیده از ابتدای تاریخ بشر، وجود داشته است ولی در اوایل سده بیستم، تأثیر آن پیوسته و منظم شده و در اواسط سده بیستم هم یک شتاب ناگهانی پیدا کرده است که با سقوط بلوک کمونیست و تکمیل پیوستگی آن به اردوگاه سرمایه‌داری، با فرآیندهای اجتماعی دیگری همچون فراصنعتی شدن و فرانوگرایی، شتاب بیش از پیشی به خود خواهد گرفت. ماهم اکنون چون هر زمان دیگری در تاریخ بر فراز و نشیب خود، با تحولاتی در ارزش‌ها و پرو هستیم که در دو سطح ملی و فراملی، نیاز به سازوکارهای ویژه دارد تا به گونه‌ای مطلوب، پاسخگوی این ارزش‌های جدید باشد.

ایران و پیامدهای جهانی شدن یا جهانی سازی

دکتر بهرام تولاتی
استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

معنی جهانی سازی

واژه globalization از globe گرفته شده است. در فرهنگ جامع بریتانیکا در تعریف globe چنین آمده است: یک قضا یا کره‌ای که شامل نقشه زمین بر روی آن شود.

مالکوم واترز در تحقیقی در این زمینه نتیجه گرفته است که این واژه در معنی وصفی خود، یعنی جهانی global، بیش از چهار صد سال قدمت دارد، اما مشتقات دیگر این کلمه هم چون اصطلاح‌های globalization، globalize و globalizing از حدود سال ۱۹۶۰ رواج عمومی یافته است.^۱

رونالد رابرتسون استاد جامعه‌شناسی دانشگاه پیتمبورگ که به جهانی‌سازی از زاویه جامعه‌شناختی نگاه می‌کند، در سال ۱۹۸۳ از واژه globality استفاده کرد و نخستین مقاله خود را با عنوان جهانی‌سازی در سال ۱۹۸۵ ارائه کرد. اما هم‌اکنون واژه globalization کاربرد بسیار گسترده‌ای پیدا کرده است.

جدول شماره ۱ بر اساس جستجویی است که در فروردین ماه امسال از طریق جستجوگرهای اینترنت انجام داده‌ام.

در فرهنگ آکسفورد در توضیح واژه globalization چنین آمده است: این واژه به معنی عملکرد یا اقدام برای جهانی کردن است و از نظر دستور زبان، اسم مصدر از مصدر جعلی -to globalize است که خود از صفت global ساخته شده است و فعل آن، گذشته از نشان دادن حالت یک چیز،

بیشتر متعددی است، یعنی نیاز به یک مفعول دارد و معنی آن جهانی کردن یا جهانی‌سازی است؛ همچنان که واژه‌هایی چون صنعتی کردن، ملی کردن، غربی، عربی یا روسی کردن در طول تاریخ رواج یافته است.

اما مفهوم جهانی‌سازی، هم به یکپارچگی جهان و هم به تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت می‌کند. فرآیند و تمایلی که توصیف‌کننده این مفهوم است، با وجود برخی گسست‌ها، در طول تاریخ بشر وجود داشته و هم‌اکنون به یک موضوع مهم در کانون توجه سیاستمداران و پژوهشگران در زمینه‌های مختلف و به یکی از پراستفاده‌ترین و رایج‌ترین مفاهیم علوم انسانی تبدیل شده است. این مفهوم وقتی با شکل و ماهیت تجدد modernity ارتباط پیدا می‌کند، به تحولات تازه‌ای در زندگی بشر اشاره می‌کند که به نظر تازگی دارد و تمرکز آن بر سده بیستم به این سو قرار می‌گیرد که یکپارچگی‌های جهانی و آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل و مجموعه به هم پیوسته، شتاب فزاینده‌ای یافته است.

واژه جهانی‌سازی گرچه بیش از سده بیستم وضع و بارها هم به کار گرفته شده است، اما به عنوان یک واژه علمی تا اوایل یا حتی اواسط دهه ۱۹۸۰ در محافل دانشگاهی چندان به رسمیت شناخته نمی‌شد و تنها در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ بود که اعتبار علمی پیدا کرد، به گونه‌ای که هم‌اکنون به گفته رابرتسون، «ردیابی نحوه انتشار آن در سراسر جهان ناممکن است» و دیگر گریز یا عقب‌نشینی هم از آن

Globalisation	Globalization	Global	Globe	سایت / رکورد
۷۳۵,۰۰۰	۱,۵۸۰,۰۰۰	۲۶,۲۰۰,۰۰۰	۵,۶۷۰,۰۰۰	Google
۶۵۷,۰۰۰	۱,۴۱۰,۰۰۰	۲۲,۴۰۰,۰۰۰	۵,۶۹۰,۰۰۰	Yahoo
۴۶	۲,۹۴۴			Amazon
۱۲۷	۳۳۶			Library of Congress

○ جهانی شدن

برآیندی غیرارادی از یک رشته طرح های ارادی و از پیش تعیین شده برای یکپارچگی جهان در زمینه های فرهنگ، محیط زیست، اقتصاد و سیاست است که در اوایل سده بیستم شتاب ناگهانی یافته است و از چنان اعتبار علمی برخوردار شده که نمی توان ادعای کنترل آن را داشت.

فشردگی، جهان در ابعاد زمان و مکان و کوچک تر کردن آن حکایت می کند. این حالت، زاده گسترش ابزارها و نوآوری در وسایل ارتباطی و ارتباط تنگاتنگ مسائل اقتصادی است که در مناطق مختلف شکل گرفته است و گسترش می یابد. این پدیده به معنی فرآیندهایی است که به شکل گرفتن فضای جهانی واحد کمک می کند و پیشرفت فن آوری ارتباطات، زمینه ساز این پدیده بوده است. جهانی سازی به مفهوم شکوفایی و گسترش جوامع مدنی و نهادهای مدنی و تعمیق وابستگی متقابل و همه جانبه کردن آن هم معنی شده است. فشردگی فضا به گونه ای است که اقتصادهای ملی جدا از هم و سیاست های آنرا اگر ایانه، دیگر امکان فعالیت نخواهد داشت. در این شرایط تازه، شیوه تولید در جهت توزیع عملیات در سطوح مختلف محیط و فضا صورت می گیرد که این امر فشردگی جهان را بیش از پیش متبلور می سازد. شاو در تعریف جهانی سازی نوشته است: مجموعه ای پیچیده از فرآیندهای متمایز اما مرتبط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین سیاسی و نظامی است که مناسبات اجتماعی از طریق آن ها و در دوره طولانی تاریخی به مقیاسی جهانی و قابل دسترسی در سطح جهانی تحول یافته است.^۲

بسیاری از رویکردهای موجود بر پایه این ادعا است که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، غرب و لیبرالیسم بر همه آیدئولوژی ها و اندیشه های بشری غلبه یافته است و تعیین کنش و واکنش های آینده در عرصه بین المللی، به گونه انحصاری در چارچوب نظریات لیبرالیسم و همچنین گسترش پروژه لیبرالیسم که در تجارت آزاد، دموکراسی، حقوق بشر، و... ظهور و بروز می یابد، امکان پذیر است. در این رویکردها، برقراری سلطه همه جانبه غرب و آیدئولوژی لیبرالیسم بر دیگر ایده ها و فرهنگ ها، امری

متصور نیست^۳ یا به نظر آنتونی گیدنز استاد دانشگاه و مدیر مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن، «بسیار پیچیده تر و غیر متمرکزتر از آن است که بتوان ادعای کنترل بر آن کرد».^۴

دیدگاه های گوناگون

در طول دهه های گذشته چندین نظریه کلان در تبیین عمده ترین مسایل جهان معاصر عرضه شده است که از جمله مهم ترین آنها می توان به نظریه امپریالیسم هابسون و لنین، نظریه وابستگی فرانک، نظریه نظام جهانی والرشتاین، نظریه های نو سازی پارسونز، آلموند و وربا و همچنین نظریه تجدید گیدنز اشاره کرد. موضوع جهانی سازی در هر یک از این نظریه ها به گونه مشخصی مورد توجه قرار گرفته بود، ولی هیچ یک به طور کامل موفق به طرح مبانی پیدایش و ابعاد گسترش آن در جامعه جهانی نشدند. رویکرد جهانی سازی هم از جمله همین نظریه های کلان اجتماعی به شمار می رود که در واکنش به کوتاه بینی ها و ایرادهای نظریه های پیشین مطرح شده است و توسعه می یابد.

از ساختار واژه، معنی لغوی و مفهوم ظاهری آن که بگنیم، دیدگاه های گوناگونی درباره جهانی سازی وجود دارد که هر یک بر وجهی متمرکز شده است. برخی، تغییرهای اساسی در سامان دهی سرمایه داری جهانی در عرصه های تولید، توزیع، تجارت، امور مالی و تکنولوژی را که علت گذر از سرمایه داری سازمان یافته به سرمایه داری بی سازمان در مقیاس جهانی شده است، ویژگی اصلی جهانی سازی می دانند و برخی دیگر آن را فرآیندی که در حال ساختن فضای جدید اجتماعی است، تعریف می کنند. تعریف های دیگری درباره جهانی سازی وجود دارد که از جامعیت بیشتری برخوردار است. اینها جهانی سازی را مفهومی می شناسند که از «به هم

یعنی تمدنی جهانی حاوی تمدن‌های بسیار منجر شده است.^۸

به نظر می‌رسد که يك اتفاق نظری وجود دارد که جهانی‌سازی - خواه در زمینه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا زیست محیطی باشد - با افزایش سطوح وابستگی متقابل در مسافت‌های طولانی، مشخص و معرفی می‌شود اما افراد اندکی تاکنون کوشیده‌اند که این سطوح وابستگی را اندازه‌گیری کنند. چه کسی می‌داند که کدام کشورها به این روند نزدیک‌ترند و آیا اساساً در این زمینه هماهنگی وجود دارد یا نه؟ به گفته کلون، فیزیکدان انگلیسی، وقتی بتوانیم مطلبی را که از آن سخن می‌گوییم اندازه‌گیری کنیم و با ارقام و آمار سخن بگوییم، آنگاه می‌توانیم بگوییم که چیزی درباره آن می‌دانیم. ما چگونه می‌خواهیم وسعت فرورفتن يك کشور در اقتصاد جهانی را تعیین کنیم؟ چگونه می‌توان نشان داد که جهانی‌سازی به سرعت یا به کندی به پیش می‌رود؟ این شبکه تار عنکبوتی تا چه میزانی جهان گیر شده است؟ اینها پرسش‌هایی است که تنها با استفاده از آمار و ارقام می‌توان به آنها پاسخ داد. شاید نتوان پدیده جهانی‌سازی را همچون جهان فیزیکی، با وسایل آمار و اندازه‌گیری کنونی که بسیار محدود است، اندازه‌گیری کرد، ولی این محدودیت نباید ما را از تلاش در این راه بازدارد، همچنان که فیزیکدانان نیز چنین نمی‌کنند.

نظم جدید

پدیده جهانی‌سازی از تباطؤ زیادی بارشده توانایی‌های مناطق گوناگون دارد. در میان نظریه‌پردازان جهانی‌سازی، معمولاً به گونه اغراق آمیزی از پایان «دولت ملی» Nation State سخن رانده می‌شود و این دسته از نظریه‌پردازان معتقدند که در سراسر جهان حکومت‌های ملی بسیاری هستند که دیگر نظارت خود را بر رفت و آمد سرمایه از مرزهای خود از دست داده و در عمل، نفوذ خود را بر محل سرمایه‌گذاری جدید کاهش داده‌اند. صنعتی کردن به شکلی که در مقیاس جهانی در حال ظهور است، گسترش نمادهای بین‌المللی و فور و لذت و گسترش اتخاذ اشکال توسعه زمینی مثل خط تولید کارخانه، مراکز خرید و ساختمان‌سازی برای افراد مجرد،

حتمی تلقی شده و جهان‌گیر شدن لیبرال دموکراسی غربی، به عنوان شکل نهایی حکومت بشری، مورد پشتیبانی یا دست کم پذیرش واقع شده است. برای نمونه، سیواناندان نویسنده و سردبیر سوسیالیست مجله نژاد و طبقه، معتقد است که «اگر امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه‌داری باشد، جهانی‌سازی هم واپسین مرحله امپریالیسم است.»^۹

ابهام

با این حال، محل‌گرایی و حاکمیت یافتن هر قوم و ملت بر سر نوشت خود، هنوز آرمان بسیاری از جوامع انسانی است که نتوانسته‌اند سر نوشتی جدا و مستقل از غیر خود، به دست آورند؛ به گونه‌ای که این گرایش دوگانه و «دوروی يك سگه» عمومیت پیدا کرده است و در جامعه کوچک محلی که کمتر از نیم میلیون نفر جمعیت دارد، این حقیقت بیش از هر جای دیگری قابل لمس است. هم‌اکنون بسیاری کسان درباره جهانی‌سازی سخن می‌گویند، اما هیچ يك سعی نکرده است با ارائه آماری، میزان گسترده‌گی این پدیده را ترسیم کند و این، بی‌شک ناشی از شناخته نشدن دقیق این گرایشهای متضاد است. برای نمونه، فرهنگ رجایی، با برشمردن «زنجیره رویدادهایی» که «همگی در ۱۹۸۹ اتفاق افتاده» از جمله فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ارتحال امام خمینی (ره) و ابداع فرارسانه‌ای «اینترنت برای تسهیم اطلاعات جهانی»، اعتقاد خود را آشکارا و به پیروی از این خلدون چنین اعلام می‌کند که يك «آفرینش نوین» به وقوع پیوسته است و از سوی دیگر با این که این سال را «نقطه پایان جهان دو قطبی» دانسته، ضمن يك اغماض بی‌دلیل، از نظام فاتح و بدیل سرمایه‌داری چشم می‌پوشد و می‌افزاید «بشر دیگر تنها با دو نظام، سوسیالیسم و سرمایه‌داری، روبرو نیست که از آن دو، یکی را برگزیند؛ اکنون عرصه به روی گونه‌های بیشتتری از راه و روش‌هایی که مردم به فرصت‌های خود غنا ببخشند، گشوده است»^{۱۰} و در جای دیگر با یادآوری مفاهیم «حیات اندیشمندانه» و «حیات عمل‌مندانه» از هانا آرت، جهانی‌سازی را «جنبشی دوگانه» تلقی کرده که «به پیدایش مرحله تازه‌ای در تمدن انسان

○ ماهم اکنون چون
هر زمان دیگری در تاریخ
پرفراز و نشیب خود، با
تحولاتی در ارزش‌ها و پرو
هستیم که در سطح ملی و
فراملی، نیاز به
سازوکارهای ویژه دارد تا
به گونه‌ای مطلوب،
پاسخگوی این ارزشهای
جدید باشد.

می‌بریم.^{۱۱} ادوارد سوجا هم واژه فرامرکز post metropolice را برای تشریح مناطق شهری امروزی وضع کرده است.^{۱۲}

به این ترتیب برخی جنبه‌های این پدیده، عمدی و از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی شده برای بازاریابی در سطح جهان است. در این صورت منظور از جهانی‌سازی يك طرح و پروژه است و همچنین نیرویی که يك قدرت توسعه طلب و افزون خواه، از مرکز خود به پیرامون خود وارد کند تا به شکل دلخواه گسترش یابد. برای نمونه می‌توان از فرهنگ اروپایی که از راه مهاجرت، استعمار و تقلید فرهنگی به سراسر کره زمین گسترش پیدا کرد و از جنبش طرفداران محیط زیست برای حفظ سیاره زمین نام برد. از این گذشته امروزه که بازتابی از همکاری‌های چند ملیتی کارتل‌ها و تراست‌های غربی برای ثروت و قدرت موجب شده تا مراکز این کارتل‌ها و تراست‌ها در کلان‌شهرهای نیویورک، توکیو، فرانکفورت، لندن و پاریس استقرار یابد، آنها را به عنوان مروّجان جهان‌گرایی و سرمایه‌داری غربی، از پشتیبانی قدرت سیاسی- نظامی غرب و بویژه استیلاجویی ایالات متحده آمریکا برخوردار کرده است و از سوی رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین اینترنت مورد تقویت تبلیغی و فرهنگی قرار می‌گیرند.

اماد مقابل، برخی دیگر از جنبه‌های این پدیده مانند ملت‌گرایی افراطی یا گسترش اسلام‌گرایی به عنوان پاسخی به ماده‌گرایی غربی و شرقی یا خطر کمونیسم بین‌الملل، خارج از کنترل یا فاقد قصد و نیت فرد یا گروهی از افراد است. این شواهد به روشنی به ما نشان می‌دهد که جهانی‌شدن طرحی نیست که فرد یا گروه و دسته یا دولت خاصی برای تحمیل اراده و دیدگاه‌هایش بر دیگران آن را دستاویز کرده باشد، همچنان که ترکیب «انقلاب اطلاعاتی» و «طغیان توده‌ها» امکان استقرار هر گونه انحصار را بر اطلاعات از میان برداشته است. بنابراین، در این گونه موارد، «فرآیند»، توصیف مناسب‌تری برای جهان‌گستری است تا «طرح» و جهانی‌شدن مطلوب تر از جهانی‌سازی می‌نماید، چرا که در عرصه کنش و واکنش یا آنچه جیمز روزن آن را «وابستگی متقابل فزاینده» می‌نامد، به سادگی

همة اینها با جریان‌های بین‌المللی سرمایه و کاهش موانع تجاری ممکن یاراه آن هموار شده است.

برای مثال سیمونندز معتقد است «واقعیت فضایی شهرهای منطقه‌ای که با تمایلات جهانی آمیخته شده است، اشکال جدیدی از حکومت و مدیریت را طلب می‌کند.»^{۱۳} فرهنگ رجایی هم معتقد است که پدیده جهانی‌سازی، نظم غالب بر نظام دولت‌های ملی عهد و ستفالی را سست و لرزان کرده است و با برخورداری از ویژگی اصلی خود یعنی «تکثر»، بازی‌گری در عرصه عمومی که پیشتر در انحصار دولت ملی بود، به روی دیگر نهادها همچون جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌ها... باز شده است. اقتصاد، از روابط دوماحوری کشورهای پیشرفته و کشورهای عقب‌مانده - که در آن اولی تولیدکننده و دومی مصرف‌کننده بود - جای خود را به مشارکت عموم در تولید داده است و در زمینه فرهنگ و اندیشه، انحصار طلبی طرح تجدید، جای خود را به الگوی «چندفرهنگی» و به سرمشق روایت و قرأت داده است.^{۱۴}

از سال‌های پایانی سده بیستم بسیاری از کارشناسان مسائل شهری و دانشمندان علوم اجتماعی که روی این موضوع کار کرده‌اند، معتقدند که ما در میان يك دوره تغییرات اساسی ساختاری هستیم که شهرها را به همان شدتی که صنعتی شدن و مهاجرت مردم به مناطق شهری موجب تغییر در ملزومات فرهنگی سنتی و ایجاد اشکال جدید نهادها و زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی آنها شد و در نتیجه آنها را به قطب جذابی برای حاشیه‌نشینان تبدیل کرد، باز هم متحول خواهد کرد. اولریک یک دربارۀ تجربه غرب چنین استدلال می‌کند که ما فقط می‌دانیم در تغییراتی غوطه‌ور شده‌ایم که بسیاری از نهادهای قدیمی را که در سایه آن زندگی می‌کردیم، واژگون کرده یا تغییر شکل داده است. به همین علت است که او از پیشوند فرا یا بعد post برای تشریح وضع حاضر استفاده می‌کند. یعنی این که ما در يك شهر فراصنعتی post industrial زندگی می‌کنیم که فرهنگ فراتجدد post modernity دارد و زیر یک رژیم اقتصاد سیاسی که اغلب از آن به فرافوردگرایی post Fordism یاد می‌شود به سر

○ واژه جهانی‌سازی

در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به اعتبار علمی دست یافت به گونه‌ای که هم‌اکنون به گفته «رابرتسون» ردیابی چگونگی گسترش آن در جهان ناممکن است و دیگر گریز یا عقب‌نشینی از آن متصور نیست؛ یا به گفته «آنتونی گیدنز» بسیار پیچیده‌تر و غیر متمرکزتر از آن است که بتوان آن را کنترل کرد.

نمی توان گفت که علت و عامل چنین فرآیند عظیمی در سطح جهانی از يك نقطه یا يك مجموعه آغاز شده است و نقاط و مجموعه های دیگر یاد در قید حیات نبوده اند یاد در خواب بوده اند. فرهنگ ر جایی در باره سرچشمه این پدیده معتقد است:

بی تردید می توان سرچشمه های این فرآیند را در آمریکا جست، یا عقب تر رفت و در اروپا جست و جو کرد، اما نمی توان آن را منحصر آ امریکایی یا اروپایی دانست. به صرف این که سرچشمه انقلاب کشاورزی از بین النهرین است و انقلاب صنعتی نخستین بار در انگلستان رخ داده است، این نتیجه به دست نمی آید که این انقلاب ها به طور خاص خاور میانه ای یا اروپایی بوده است.^{۱۳}

در سده های گذشته بویژه در سده بیستم موارد بسیاری را می توان نام برد که نظم موجود برهم خورده است و پس از زیان های جانی و مالی بسیار، نظم جدیدی در ویرانه های نظم پیشین سر بر آورده که مهم ترین آنها در تاریخ معاصر، دو جنگ جهانی اول و دوم بوده است. کودتاها، شورش ها و انقلاب های بسیاری هم بی هشدار قبلی پیش آمده که همگی در کنار تحولات آرام و تدریجی جوامع رخ داده است. به همین علت به نظر می رسد که گزینش يك رویکرد ترکیبی، برای توضیح عوامل و ریشه ها و همچنین پیامدها و ابعاد آن، با واقعیت سازگار تر و با اصول پژوهش فرارفتار گرایانه، هماهنگ تر باشد. بر این اساس جهانی سازی یا جهانی شدن را می توان این گونه تعریف کرد: «برآیندی» از مجموعه طرح ها و فرآیندهای اجتماعی که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکننده است، از بین برود و مردم جهان به گونه فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه شوند.

بی شك جهانی سازی توانسته است تغییر و تحولی جدی در نظم موجود ایجاد کند و هم اکنون نیز مشغول تکمیل و پایدار کردن آن است و ما باید با شناخت چنین «برآیندی»، خود را برای مقابله یا پذیرش آثار گوناگون آن در ابعاد مختلف آماده کنیم و به این ترتیب بر بی نظمی جامعه خود که احتمالاً در اثر این فضای متحول، رخ خواهد داد غالب شویم و راه هایی نشان دهیم که نظم را به زندگی

اجتماعی خود بازگرداند. این نوشتار در صدد است تا عوارض و شواهد گوناگون پدیده جهانی سازی را پیش از هر گونه تغییر غیر منتظره معرفی و تحلیل و مسیر این تغییرات را روشن کند. باید به يك ارزیابی دقیقی برسیم که آیا این تغییرات، واژگون سازی اساسی بنیادهای موجود را در پی خواهد داشت یا این که فقط تغییرات رخ داده را شدت و سرعت خواهد بخشید. با این وصف، پرسشی که برای ما و دولت ایران می تواند مطرح باشد این است که چگونه باید با این پدیده که هم زمینه ساز و فراهم آورنده امکانات و فرصت های تازه و هم ممکن است همراه با خطرات و رخدادهای پیش بینی نشده باشد، برخورد کرد و به گفته ارسطو راه حلی پیدا کنیم که به زندگی خود نظمی ببخشیم تا تضمین کننده زندگی خوبی باشد که «هم برای جامعه به عنوان کل و هم برای تک تک ما» هدف اصلی باشد.

پیامدهای جهانی سازی برای ایران

دست کم چهار حوزه نفوذ برای جهانی سازی وجود دارد که در هر يك از آنها اثرهایی از پدیده جهانی سازی ردیابی شده است. فرآیندهای فرهنگی در جهت جهان شمول شدن، انتزاع ارزش ها و استانداردها در سطحی بسیار کلی قرار دارد، به گونه ای که امکان تمایز فرهنگی حدهای نهایی را فراهم آورده است. فرآیندهای اقتصادی از جمله آزادی از تحت سلطه بودن، محدودیت و وضع قانونی و انحصارگری طبقاتی ایجاد کرده است. فرآیندهای زیست محیطی، موجب تراکم زمان در مکان و ابتلای بشر به مسایل و مشکلات مشترک شده است و فرآیندهای سیاسی در جهت حاکمیت دموکراسی و تمرکززدایی از قدرت قرار گرفته است.

بررسی تلاش دولت ها در این روند، همان گونه که از جدول شماره ۲ برمی آید، نشان می دهد که ایرلند برای ۲ سال پی در پی رتبه نخست و ایران برای سه سال پی در پی رتبه شصت و دوم را به خود اختصاص داده است. بر اساس اطلاعات آماری که طی سه سال گذشته از سوی مؤسسه A.T. Kearney تهیه و در مجله سیاست خارجی به چاپ رسیده است، برخی از دولت ها در سه سال اخیر

○ جهانی شدن از «فشرده شدن» جهان در ابعاد زمانی و مکانی و کوچک تر شدن آن حکایت می کند و این حالت زاده گسترش روز افزون ابزارها و نوآوری در وسایل ارتباطی و پیوند تنگاتنگ مسائل اقتصادی است. این پدیده به معنی فرآیندهایی است که به شکل گرفتن فضای جهانی واحد کمک می کند.

رتبه	کشور	سوروشی اینترنتی	لرانه دهندگان اینترنت	کاربران اینترنت	رتبه جهانی	مشارکت در مأموریت باساز	عضویت در سازمان‌های بین‌المللی	فعالیت سائرتفاه در کشور	رتبه جهانی	دریافت و پرداخت نقدی	ارتباط تلفنی	جهاگرو و مسافرت	رتبه جهانی	دریافت و پرداخت بین‌المللی	سرمایه گذاری داخلی	سرمایه گذاری خارجی	نظارت بین‌المللی	رتبه جهانی
۱	ایرلند	۹	۱۶	۲۴	۱۷	۴	۱۵	۳۸	۲۲	۱	۱	۳	۱	۷	۱	۳	۳	۱
۲	سوئیس	۵	۱۰	۱۱	۷	۷	۸	۲۳	۲۹	۲	۲	۲	۲	۸	۲	۱۸	۵	۲
۳	سوئد	۷	۸	۳	۵	۱	۳	۱۴	۵۳	۵	۴	۱۴	۵	۲۲	۴	۲۱	۲	۲
۴	سنگاپور	۱۰	۱۳	۲	۶	۱۱	۱۱	۳۷	۵۳	۵	۳	۵	۵	۴۱	۳۶	۱	۴	۴
۵	هلند	۱۵	۳	۱۶	۱۰	۱۱	۵	۱۶	۲۸	۶	۶	۱۳	۶	۱۹	۲	۸	۳	۳
۶	دانمارک	۱۳	۶	۷	۹	۳	۵	۲۸	۱۲	۱۰	۵	۱۶	۱۰	۱۱	۶	۲۰	۷	۷
۷	کانادا	۴	۷	۹	۳	۳	۳	۹	۶	۲۰	۴	۲۱	۴	۲۴	۲۰	۲۴	۱۷	۱۷
۸	اطریش	۱۱	۱۴	۱۷	۱۳	۳	۲	۱۰	۷	۱۱	۷	۴	۷	۲۸	۷	۱۲	۱۴	۱۴
۹	بریتانیا	۶	۱۵	۱۰	۱۱	۵	۲	۳	۲	۴	۹	۱۹	۹	۲۸	۱۰	۲۳	۱۰	۱۰
۱۰	فنلاند	۸	۲	۸	۴	۵	۵	۳۶	۱۷	۱۲	۱۲	۹	۹	۳۳	۸	۳۰	۱۱	۱۱
۱۱	آمریکا	۱	۱	۴	۱	۵	۵	۱	۳	۱۶	۱۶	۳۱	۱۶	۵۵	۲۳	۳۵	۶۰	۵۰
۱۲	فرانسه	۲۰	۲۶	۲۱	۲۱	۳	۱	۲	۱	۱۴	۱۴	۱۲	۱۲	۲۶	۹	۷	۴۶	۱۲
۱۳	نروژ	۱۲	۱۱	۱	۴	۵	۸	۳۴	۱۹	۱۹	۱۱	۲۰	۱۱	۳۷	۳	۲۶	۲۲	۱۵
۱۴	پرتغال	۲۲	۱۸	۱۴	۱۹	۹	۹	۲۷	۳۲	۱۳	۱۶	۱۰	۱۶	۳۸	۱۱	۲۹	۹	۹
۱۵	چک	۱۹	۲۰	۲۸	۲۵	۷	۱۵	۲۱	۲۵	۱۷	۲۱	۱۷	۱۷	۲۱	۱۳	۶	۲۸	۲۸
۱۶	زلاندنو	۲	۵	۱۹	۸	۱۰	۲۱	۲۱	۲۶	۲۲	۸	۲۶	۸	۲۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۷	آلمان	۱۴	۱۷	۱۳	۱۲	۹	۷	۳	۹	۱۲	۱۲	۲۲	۱۲	۳۴	۱۲	۳۳	۲۳	۲۲
۱۸	مالزی	۳۶	۳۶	۲۲	۲۳	۶	۱۹	۳۲	۳۱	۱۶	۲۰	۸	۲۰	۲۷	۳۳	۲۵	۸	۸
۱۹	اسرائیل	۱۷	۱۹	۲۳	۲۳	۱۳	۳۱	۲۸	۵۸	۱۹	۱۰	۲۴	۱۰	۶	۳۶	۲۲	۲۸	۲۲
۲۰	اسپانیا	۲۱	۲۱	۲۶	۲۴	۹	۹	۱۲	۲۱	۲۳	۱۷	۱۸	۱۷	۲۱	۱۴	۲۹	۵۱	۱۸
۲۱	استرالیا	۳	۴	۱۲	۳	۱۰	۱۷	۲۰	۲۹	۲۸	۲۱	۲۹	۲۱	۲۸	۱۹	۲۸	۱۵	۲۱
۲۲	کرواسی	۲۴	۲۴	۲۵	۲۳	۱۲	۱۲	۴۱	۵۵	۳۳	۱۴	۱۷	۱۴	۱۰	۲۸	۱۵	۱۹	۲۱
۲۳	مجارستان	۲۸	۲۱	۲۷	۲۷	۸	۱۱	۲۸	۲۹	۳۰	۲۲	۶	۲۲	۲۴	۲۰	۲۷	۷	۱۹
۲۴	ایتالیا	۲۳	۲۹	۲۰	۲۲	۵	۴	۶	۸	۲۵	۱۸	۲۳	۱۸	۳۰	۲۱	۲۰	۲۷	۲۵
۲۵	اسلونی	۱۶	۲۲	۱۸	۱۸	۱۱	۲۹	۴۴	۵۷	۳۷	۱۶	۱۱	۱۶	۲۹	۱۶	۴۵	۱۰	۲۱
۲۶	یونان	۳۰	۲۳	۲۹	۲۸	۸	۱۲	۲۸	۲۰	۲۵	۲۴	۲۹	۲۴	۱۵	۱۷	۴	۱۲	۱۲
۲۷	اسلواکی	۲۷	۲۷	۳۰	۲۹	۸	۱۹	۲۲	۳۳	۵۰	۲۸	۲۹	۲۸	۲۲	۲۴	۵۰	۲۳	۲۳
۲۸	کره جنوبی	۵۲	۵۳	۵۲	۵۱	۱۳	۲۴	۱۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۲	۲۹	۲	۱۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۹	مراکش	۲۶	۲۶	۲۳	۲۶	۱۳	۲۸	۴۱	۵۹	۳	۳	۲۷	۲۴	۲۹	۱۷	۵	۵	۲
۳۰	پاناما	۲۶	۲۶	۲۳	۲۶	۱۳	۲۸	۴۱	۵۹	۳	۳	۲۷	۲۴	۲۹	۱۷	۵	۵	۲
۳۱	شیلی	۳۲	۳۳	۲۵	۲۶	۱۰	۱۸	۲۹	۲۱	۲۱	۲۱	۲۸	۲۱	۲۳	۲۰	۲۶	۲۳	۲۳
۳۲	لهستان	۲۹	۲۹	۲۷	۲۷	۲	۳۰	۱۰	۱۶	۵۱	۵۱	۷	۲۵	۲۳	۲۴	۱۹	۲۳	۲۳
۳۳	بنسواتا	۴۸	۴۵	۵۰	۴۸	۱۳	۳۲	۴۵	۶۱	۷	۲۵	۲۵	۷	۲	۲۳	۱۶	۱۹	۲۳
۳۴	تایوان	۲۵	۹	۷۵	۱۷	۱۳	۳۲	۴۵	۶۱	۲۹	۲۹	۲۴	۲۸	۲۶	۱۴	۱۶	۲۳	۲۳
۳۵	زاین	۱۸	۱۲	۶	۱۲	۱۱	۱۵	۷	۲۶	۲۸	۲۸	۲۴	۲۸	۱	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۳۶	لوگاندا	۵۷	۵۷	۶۰	۵۷	۱۳	۲۹	۴۲	۶۰	۳۳	۳۳	۵۸	۳۳	۵۸	۵۴	۲۳	۱۲	۲۳
۳۷	نیجره	۵۸	۶۰	۶۱	۵۸	۴	۱۳	۱۷	۱۵	۱۸	۱۸	۵۸	۳۳	۵۲	۱۸	۹	۲۱	۲۳
۳۸	آفریقای جنوبی	۳۱	۳۴	۳۴	۳۳	۱۲	۲۰	۱۳	۲۲	۲۹	۲۹	۲۷	۲۹	۵۲	۱۸	۲۳	۲۳	۲۳
۳۹	تونس	۵۱	۵۸	۴۰	۴۲	۹	۱۹	۲۴	۳۷	۳۵	۳۵	۲۷	۲۶	۱۷	۵۱	۲۴	۲۳	۲۳
۴۰	رومانی	۴۰	۴۰	۳۹	۳۹	۶	۱۷	۳۵	۳۷	۳۷	۳۷	۲۷	۲۶	۱۸	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۴۱	سنگال	۵۸	۵۸	۵۲	۵۲	۵	۱۷	۳۵	۳۷	۳۷	۳۷	۲۷	۲۶	۱۸	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۴۲	اوکراین	۴۵	۴۲	۵۳	۴۹	۵	۲۲	۳۰	۳۷	۵۵	۵۵	۳۴	۳۰	۲۰	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۴۳	کتیا	۵۸	۵۱	۴۹	۵۳	۵	۱۲	۲۷	۳۷	۵۶	۵۶	۵۳	۳۳	۴	۲۱	۲۳	۲۳	۲۳
۴۴	سری لانکا	۴۹	۴۹	۵۶	۵۳	۲	۱۲	۴	۵۵	۳۳	۳۳	۵۰	۳۰	۵۶	۵۶	۲۰	۲۳	۲۳
۴۵	روسیه	۲۱	۲۸	۲۴	۲۳	۲	۱۰	۸	۱۰	۳۶	۳۶	۲۳	۳۰	۱۶	۲۵	۵۲	۵۲	۵۲
۴۶	مصر	۵۳	۵۳	۵۵	۵۳	۶	۱۰	۳	۱۰	۳۶	۳۶	۲۳	۳۰	۲۸	۲۹	۴۱	۲۷	۲۷
۴۷	تایلند	۲۳	۲۳	۳۶	۳۸	۱۰	۲۱	۳۱	۲۲	۲۷	۲۷	۲۳	۲۰	۲۸	۲۹	۴۱	۲۷	۲۷
۴۸	آرژانتین	۳۹	۳۲	۲۲	۲۳	۱۳	۱۶	۲۲	۲۲	۳۲	۳۲	۲۱	۲۹	۶۰	۲۶	۶۱	۶۱	۶۱
۴۹	مکزیک	۳۹	۳۲	۴۲	۳۹	۱۳	۱۶	۲۲	۲۲	۴۹	۴۹	۳۲	۳۳	۴۶	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۵۰	پاکستان	۵۶	۵۶	۵۹	۵۶	۵	۱۵	۲۴	۱۸	۵۹	۵۹	۵۹	۳۱	۱۳	۵۷	۲۷	۲۷	۲۷
۵۱	چین	۵۵	۵۵	۴۶	۴۶	۵	۲۲	۵	۲۲	۵۱	۵۱	۲۹	۲۸	۴۴	۴۴	۱۷	۲۷	۲۷
۵۲	فیلیپین	۲۷	۲۷	۴۱	۴۱	۹	۲۳	۲۵	۳۵	۲۵	۲۵	۲۰	۲۸	۶۱	۴۱	۲۶	۲۶	۲۶
۵۳	ترکیه	۵۹	۶۱	۶۲	۵۹	۴	۱۶	۳۹	۲۲	۶۰	۶۰	۳۳	۳۳	۱۴	۵۸	۵۸	۵۸	۵۸
۵۴	بنگلادش	۵۹	۶۱	۶۲	۵۹	۴	۱۶	۳۹	۲۲	۶۰	۶۰	۳۳	۳۳	۱۴	۵۸	۵۸	۵۸	۵۸
۵۵	کلمبیا	۴۴	۴۱	۴۵	۴۲	۱۳	۱۸	۳۵	۵۲	۳۸	۳۸	۵۲	۳۸	۳۱	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
۵۶	هند	۵۴	۵۲	۵۷	۵۴	۵	۱۴	۱۱	۱۲	۳۲	۳۲	۵۸	۳۲	۲۵	۲۰	۲۳	۲۳	۲۳
۵۷	برزیل	۳۵	۳۵	۳۸	۳۵	۱۱	۱۶	۱۵	۳۸	۳۹	۳۹	۵۱	۳۰	۵۹	۴۸	۲۵	۲۵	۲۵
۵۸	اندونزی	۳۵	۳۰	۳۸	۳۵	۸	۲۰	۲۴	۳۸	۳۹	۳۹	۵۵	۳۲	۲۴	۲۶	۲۳	۲۳	۲۳
۵۹	پرو	۴۲	۴۷	۳۱	۳۱	۱۲	۱۸	۳۳	۳۷	۳۷	۳۷	۲۷	۳۰	۴۲	۲۷	۲۳	۲۳	۲۳
۶۰	ونزوئلا	۳۷	۴۴	۳۷	۳۷	۱۲	۱۸	۲۶	۳۲	۴۰	۴۰	۴۸	۳۸	۴۲	۲۲	۶۱	۲۳	۲۳
۶۱	عربستان سعودی	۴۶	۴۶	۵۱	۵۱	۱۳	۲۶	۱۸	۵۲	۲۲	۲۲	۴۵	۲۲	۶۱	۲۸	۶۱	۲۳	۲۳
۶۲	ایران	۵۸	۵۶	۵۸	۵۵	۱۳	۲۷	۱۴	۵۰	۵۹	۳۱	۲۹	۳۱	۵۱	۵۴	۶۰	۲۴	۲۴

Source: The 2003 A.T. Kearney / FOREIGN POLICY Magazine Globalization Index cited in [http:// www. atkearney](http://www.atkearney)

گرفته‌اند. این نشان می‌دهد که دولت ایران برای صعود یا سقوط در این جدول فرصت تفکر و تأمل بیشتری دارد و از موقعیت میانی خود در این زمینه می‌تواند بهره‌بهتری ببرد.

برای بررسی موضوع و آگاه کردن مردم ایران از این پدیده، در زمستان ۱۳۸۱ يك پرسشنامه کتبی تهیه شد و برای انجام يك پژوهش میدانی، افرادی به مناطق مختلف کشور اعزام شدند. در این پژوهش، يك جامعه آماری ۵۱۷ نفری براساس گزینشی از مشاغل مختلف دولتی و غیردولتی گردآوری شد (افرادی ۲۰ تا ۶۰ ساله، در سه دوره سنی ۲۰-۳۰ سال ۲۱۷ نفر، ۳۰-۵۰ سال ۲۵۸ نفر و ۵۰-۶۰ سال ۴۲ نفر). از این تعداد، ۱۲۳ نفر زن و ۳۹۴ نفر مرد از ساکنان تهران، قزوین، اصفهان، نجف آباد، بروجرود، شهرضا، بندرعباس، تبریز، کرج و دیگر شهرها - که برای تفریح و خرید به منطقه ویژه اقتصادی قشم سفر کرده بودند - به شرح جدول زیر به گونه اتفاقی مورد سنجش قرار گرفتند.

نتیجه به گونه‌ای که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بسیار قابل توجه است. ۵۴/۷ درصد جامعه آماری مذکور از این پدیده اطلاعی نداشتند و تنها ۴۵/۳ درصد مطلع بودند که از این تعداد هم ۲۰/۸ درصد در حال تردید به سر می‌بردند. این نشان می‌دهد که با وجود گسترش این مفهوم در بیش از ۲۰ سال گذشته، هنوز بیشتر مردم از کم و کیف آن اطلاعی ندارند. با این که این ناآگاهی در بیشتر جامعه آماری بی توجه به جنس، سن و شغل آنها قابل توجه است، اما بیشترین ناآشنایی از نظر جنسی میان زنان به میزان ۶۵ درصد، از نظر سنی در میان افراد سالخورده به میزان ۷۸/۶ درصد و از نظر شغلی میان کشاورزان به میزان ۱۰۰ درصد دیده می‌شود. در مقابل، بیشترین آگاهی از نظر جنسی میان مردان به میزان ۴۸/۵ درصد، از نظر سنی میان جوانان به میزان ۴۹/۸ درصد و از نظر شغلی میان افراد روحانی به میزان ۸۳/۳ درصد وجود دارد.

بیشترین تردید از نظر جنسی میان زنان به میزان ۳۰/۲ درصد، از نظر سنی میان جوانان به میزان ۲۴/۱ درصد و از نظر شغلی آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند میان پزشکان به میزان ۲۷/۴ درصد و کارمندان دولتی به میزان

دگرگونی‌هایی داشته‌اند و در جدول یادشده بالاتر یا پایین تر رفته‌اند، اما بسیاری از کشورها در این سه سال تغییری نکرده‌اند و از جمله این کشورها ایران است که برای سه سال پی‌درپی همچنان در کف جدول باقی مانده است. با این حال به نظر می‌رسد که موقعیت ایران از دیدگاه بین‌المللی چندان نگران‌کننده نیست، چرا که پس از دولت‌های هم‌تراز خود یعنی عربستان سعودی و ونزوئلا قرار دارد و نسبت به بسیاری دیگر از کشورها که در جدول نیامده‌اند بالاتر است.

این جدول نشان می‌دهد که ایران با داشتن رتبه سیاسی ۵۰، از تایوان (۶۲)، بتسوانا (۶۱)، اوگاندا (۶۰)، پاناما (۵۹)، اسرائیل (۵۸)، اسلوانی (۵۷)، کرواسی (۵۶)، سری‌لانکا (۵۵)، کلمبیا (۵)، سنگاپور (۵۳)، عربستان سعودی (۵۲) و فیلیپین (۵۱) بالاتر است. رتبه فنی ایران (۵۵) هم وضع بهتری نسبت به بنگلادش (۵۹)، نیجریه (۵۸)، اوگاندا (۵۷) و پاکستان (۵۶) دارد. ارتباط‌های فردی در ایران با بر خورداری از رتبه (۵۹) بالاتر از اندونزی (۶۰)، برزیل (۶۱) و چین (۶۲) است. از نظر اقتصادی نیز جایگاه ایران بهتر از پاکستان (۶۰)، هند (۶۱) و بنگلادش (۶۲) است. همه اینها در حالی است که ایران از نظر جمعیت و جغرافیا، بیش از يك درصد از جمعیت کل جهان و يك درصد از خشکی‌های آن را در اختیار ندارد.

از اینها گذشته، ایالات متحده آمریکا که به عنوان تنها ابرقدرت جهان مطرح است، با آنکه از نظر فنی در رتبه اول و از نظر سیاسی در رتبه دوم جدول قرار دارد، از نظر ارتباط‌های فردی در ردیف سی و سوم و از نظر اقتصادی در رتبه‌های آخر جدول یعنی پنجاه است. از میان دولت‌های عضو دائم شورای امنیت، چین (۵۱) و روسیه (۴۵) در ثلث سوم پایینی جدول هستند و سه عضو دیگر شامل بریتانیا (۹)، ایالات متحده (۱۱) و فرانسه (۱۲) با صدر جدول فاصله زیادی دارند. دولت‌های دیگر عضو گروه ۸ همچون آلمان (۱۷)، ایتالیا (۲۴) و ژاپن (۴۵)، فاصله‌ای بیشترو دیگر دولت‌های مطرح و پرجمعیت در جنوب مانند اندونزی (۵۸)، برزیل (۵۷)، هند (۵۶)، بنگلادش (۵۴)، ترکیه (۵۳)، پاکستان (۵۰)، مکزیک (۴۹) و مصر (۴۶)، همه در ردیف‌های پایانی جدول قرار

○ جهانی شدن شامل
برآیندی از مجموعه
طرح‌ها و فرآیندهای
اجتماعی است که در آن
قیدوبندهای جغرافیایی که
بر روابط اجتماعی و
فرهنگی سایه افکنده
است، از میان برود و مردم
جهان به گونه‌ای فزاینده از
کاهش این قید و بندها آگاه
شوند.

جدول شماره ۳: موافقان و مخالفان جهانی سازی در ایران بر حسب جنس، سن و شغل

سیاسی-اقتصادی

جنس	سن	شغل	تعداد		آری		خیلی راضی		راضی		ناراضی		خیلی ناراضی		مردد
			کل	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کل			۵۱۷	۲۸۳	۲۳۲	۴۵.۳	۶۲	۲۷.۴	۶۳	۲۶.۹	۳۷	۱۵.۸	۲۳	۹.۸	۲۷
زن			۱۲۳	۸۰	۲۳	۳۵	۱۰	۲۳.۳	۱۳	۳۰.۲	۴	۹.۳	۳	۶.۹	۱۳
مرد			۳۹۴	۲۰۳	۱۹۱	۴۸.۵	۵۲	۲۸.۳	۵۰	۲۶.۲	۳۳	۱۷.۳	۲۰	۱۰.۵	۳۴
	۳۰-۲۰		۲۱۷	۱۰۹	۱۰۸	۵۰.۲	۲۴	۴۰.۷	۲۳	۲۱.۳	۹	۸.۳	۶	۵.۶	۲۶
	۵۰-۳۰		۲۵۸	۱۴۱	۱۱۷	۴۵.۳	۱۸	۱۵.۴	۳۸	۳۲.۵	۲۵	۲۱.۴	۱۵	۱۲.۸	۱۹
	۶۰-۵۰		۴۲	۳۳	۹	۲۱.۴	۲	۲۲.۲	۰	۰	۳	۳۳.۴	۲	۲۲.۲	۲
		استاد	۱۷	۳	۱۴	۸۲.۴	۰	۰	۷	۵۰	۶	۲۲.۹	۰	۰	۱
		پرستار	۹	۸	۱	۱۱.۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
		پزشک	۲۷	۵	۲۲	۸۱.۵	۰	۰	۷	۳۱.۸	۱	۴.۵	۱	۴.۵	۶
		خانه‌دار	۱۸	۱۴	۴	۷۷.۸	۰	۰	۲	۵۰	۰	۰	۰	۰	۲
		دانشجو	۱۴	۴	۱۰	۷۱.۴	۳	۳۰	۴	۴۰	۱	۱۰	۰	۰	۲
		راننده	۲۴	۲۲	۲	۹۱.۷	۱	۸.۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
		روحانی	۶	۱	۵	۸۳.۳	۰	۰	۳	۶۰	۱	۲۰	۱	۲۰	۰
		رییس بانک	۷	۴	۳	۴۲.۹	۱	۳۳.۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
		کارگر	۲۴	۲۱	۳	۱۲.۵	۰	۰	۰	۰	۱	۳۳.۳	۰	۰	۲
		کارمند دولتی	۸۴	۴۲	۴۲	۵۰	۷	۱۶.۷	۱۵	۳۵.۷	۷	۱۶.۷	۳	۷.۱	۱۰
		کارمند غیردولتی	۳۸	۱۶	۲۲	۵۷.۹	۱۲	۵۴.۵	۴	۱۸.۲	۱	۴.۵	۳	۱۳.۶	۲
		کاسب	۸۰	۵۱	۲۹	۳۶.۲	۵	۱۷.۲	۷	۲۴.۱	۵	۱۷.۲	۲	۷	۹
		کشاورز	۹	۹	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
		مربی آموزشی	۲۳	۱۴	۹	۳۹.۱	۶	۶۶.۷	۱	۱۱.۱	۱	۱۱.۱	۰	۰	۱
		معلم	۶۳	۲۳	۴۰	۶۳.۵	۹	۲۲.۵	۱۱	۲۷.۵	۱۰	۲۵	۶	۱۵	۵
		نظامی	۲۳	۱۶	۷	۳۰.۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
		ورزشکار	۲۰	۹	۱۱	۵۵	۹	۸۱.۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
		وکیل	۴	۱	۳	۷۵	۱	۳۳.۳	۱	۳۳.۳	۱	۳۳.۳	۰	۰	۰

اطلاعاتشان از پدیده جهانی سازی، به آن تمایل مثبت دارند. میزان طرفداران این پدیده از نظر جنسی در میان مردان ۵۴/۵ درصد، از نظر سنی در میان جوانان ۶۲ درصد و از نظر شغلی در میان ورزشکاران ۸۱/۸ درصد بوده است.

در مقابل، صرف نظر از افراد مردد بیشترین نارضایتی باز هم از نظر جنسی در میان مردان ۲۷/۸ درصد، از نظر سنی میان افراد سالخورده به میزان ۵۵/۶ درصد و از نظر شغلی میان نظامیان به میزان ۸۵/۸ درصد بوده است. این نشان می‌دهد که گذشته از موارد خاص و انگیزه‌های فردی متفاوتی که بی‌گمان در تصمیم‌گیری و تمایل افراد در این جامعه آماری نقش آفرین بوده است، منافع صنفی، شغلی و به‌طور کلی منافع مادی هم به‌عنوان هدایت‌گر تمایل و تصمیم آنها مطرح بوده و این نکته‌ای بسیار مهم است که نباید از آن غفلت کرد.

نتیجه‌گیری

جهانی سازی که از نظر لغوی به معنی عملکرد یا اقدام برای جهانی کردن تعریف شده است از نظر

۲۳/۸ درصد است، در حالی که کمترین تردید از نظر جنسی میان مردان به میزان ۱۷/۸ درصد، از نظر سنی میان میانسالان به میزان ۱۶/۲ درصد و از نظر شغلی میان کارمندان غیردولتی به میزان ۹/۱ درصد است. البته با توجه به چگونگی تنظیم پرسشنامه، نهایت تلاش شد تا از القاء یا تلقین هر گونه دیدگاهی به مخاطبان خودداری شود و به همین علت تصور آگاهی مخاطبان هر چند ذهنی و اندک، طبق برداشت شخصی خود آنها باشد و همین برای هدف این مطالعه کافی تلقی شد. به‌همین علت ضرورت ترجمه آثاری در این باره از زبان‌های مهم به فارسی و همچنین دیگر اشکال اطلاع‌رسانی عمومی از طریق رسانه‌های جمعی، ضرورتی اساسی است.

در این جامعه آماری و از میان افرادی که به گمان خود از وجود چنین پدیده‌ای اطلاع داشتند، ۵۴/۳ درصد به‌طور کلی راضی و خیلی راضی بودند و صرف نظر از افراد مردد ۲۵/۶ درصد به‌طور کلی ناراضی و خیلی ناراضی بودند. این نشان می‌دهد که این افراد گذشته از میزان و درستی

مفهومی، هم به یکپارچگی جهان و هم به تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان يك كل دلالت می کند. این فرآیند یا تمایل، با وجود برخی گسست‌ها، در طول تاریخ بشر وجود داشته و امروزه به يك موضوع مهم در کانون توجه سیاستمداران و پژوهشگران در زمینه‌های گوناگون و به یکی از پر استفاده ترین و رایج ترین مفاهیم علوم انسانی تبدیل شده است و از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به چنان اعتبار علمی دست یافته که دیگر نه ردیابی نحوه انتشار آن در سراسر جهان ممکن است و نه می توان ادعای کنترل آن را داشت.

جهانی سازی در کنار و پس از نظریه های مشهوری همچون نظریه امپریالیسم، نظریه وابستگی و نظریه های نوسازی و تجدید از جمله نظریه های کلان اجتماعی و روابط بین الملل است که در واکنش به کونا نهایی ها و ایرادهای آنها مطرح شده است. در يك مطالعه تاریخی از دوره های کلاسیک و مدرن (شامل: نوستفالی، جامعه ملل و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی)، چنین به نظر می رسد که برخی جنبه های این پدیده، عمده و از پیش تعیین شده و برنامه ریزی شده برای دستیابی به جهان است و از همین رو، عده ای عنوان طرح یا پروژه به آن می دهند. در مقابل، از آنجا که برخی جنبه های این پدیده، خارج از کنترل است یا از قصد و نیت فرد یا گروهی از افراد سرچشمه نمی گیرد، شماری از صاحب نظران «فرآیند» را صفت مناسب تری برای جهانی شدن می دانند تا «طرح».

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اتحادیه شرق، موجب خروج و حذف يك الگو از وضعیت رقابت دو اردو گاه شرق و غرب برای استیلا بر جهان و همچنین رقابت دولت های ملی برای توسعه و پیشرفت شده است. از این زمان بحث جهانی سازی با شدت بیشتری در بخش عمده ای از جهان دنبال شده و موج مردمی کردن حکومت ها با وجود مقاومت در برخی جوامع، بار دیگر احیاء شده و تأکیدی مستمر بر جهانی شدن فرهنگ غربی و ترغیب آن به مدرنیزه شدن با مشخصه های چند بعدی اتمی شدن، صنعتی شدن، ماده گرایی و مصرف گرایی صورت گرفته است.

وضع جدید، فرصت بیشتری به رقیب خود، دموکراسی لیبرال داده است تا به دفاع از ایده هایی

چون اقتصاد بازار آزاد، دموکراسی و حقوق جهانشمول بشر و ترویج آن در سراسر جهان بپردازد. رویکرد غالب در این دوره مدعی است که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، غرب و لیبرالیسم بر همه آیدئولوژی ها و اندیشه های بشری غلبه یافته است و تعیین کنش و واکنش های آتی در عرصه بین المللی به گونه انحصاری در چارچوب نظریه «لیبرالیسم» و همچنین بسط و گسترش پروژه لیبرالیسم که در تجارت آزاد، دموکراسی، حقوق بشر، ... ظهور و بروز می یابد میسر است. این رویکرد متضمن برقراری سلطه همه جانبه غرب و آیدئولوژی لیبرالیسم بر دیگر ایده ها و فرهنگ ها و همچنین نوید دهنده جهان گیر شدن دموکراسی لیبرال غربی به عنوان شکل نهایی حکومت بشری است.

به نظر می رسد که جهانی سازی بر آیندی غیر ارادی از يك رشته طرح های ارادی و از پیش تعیین شده است که برخی آثار آن در هر بعد از ابتدای تاریخ شناخته شده بشر وجود داشته و از همان زمان نیز آثار آن رو به فزونی بوده است. اما تا واسطه هزاره دوم، توسعه این ابعاد پیوسته و منظم نبوده است و در اواخر این هزاره یونان در اوایل سده بیستم است که آثار آن پیوسته و منظم شده و در واسطه سده بیستم هم شباهتی ناگهانی پیدا کرده که با نوگرایی و توسعه سرمایه داری همزمان شده است. همچنین به نظر می رسد که با سقوط بلوک کمونیست و تداوم پیوستگی آن به اردو گاه سرمایه داری، پدیده جهانی شدن با فرآیندهای اجتماعی دیگری مانند فراصنعتی شدن و فرانوگرایی نیز شتاب بیش از پیش بگیرد.

پیامدهای جهانی سازی گوناگون و متفاوت است و تنها در يك معادله قدرت است که می توان مزایا و معایب یا سود و زیان احتمالی آن را برای جوامع، دولت ها، سازمان ها، ارزش ها و افراد انسانی تخمین زد و ارزیابی کرد. جهانی سازی ممکن است موجب احیای ملی گرایی هایی که پیش از این سرکوب شده بوده بشود و اقلیت های قومی را که در يك کشور زندگی می کنند به همگرایی با اقلیت یا اکثریت قومی حاکم در کشور همسایه تحریک و تشویق کند و در نتیجه موجب فروپاشی یا تجزیه دولت اول شود.

جهانی سازی ممکن است موجب آزادی مذهبی بر پایه گزینش واقعی، قرار دادن ساختارهای بزرگ

○ جهانی سازی

ممکن است موجب احیای ملی گرایی هایی که پیش از این سرکوب شده بوده شود و اقلیت های قومی را که در يك کشور زندگی می کنند به همگرایی با اقلیت یا اکثریت قومی حاکم در کشور همسایه تشویق کند.

فراهم کند و به این ترتیب بر بی نظمی در جامعه خود که بر اثر این فضای متحول رخ خواهد داد، چیره شویم و راه‌هایی بیابیم که نظم به زندگی اجتماعی بازگرانده شود.

زیر نویس:

۱. واترزالکوم، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیلوش مریدی، انتشارات سازمان مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۰.

۲. رابرتسون رونالد، جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۹.

۳. گیدنز آتونی، جهان‌رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، انتشارات علم و ادب، تهران، ۱۳۷۹، ص ۴۰.

4. Shaw, M. 1997. "The State and Globalisation: Towards a Theory of State Transformation", *Review of International Political Economy*, 4(3), 497-513 p. 498.

5. Sivananda, a 1998-99, "Globalism and the Left", *Race and Class, a Journal for Black and Third World Liberation*, 40 (2-3), 5-19 p.5.

۶. «هنگامی که عادات و احوال بشر یکسره تغییر یابد، چنان است که گویی آفریدگان از بن و اساس دگر گونه شده‌اند و سراسر جهان دچار تحول و تغییر گردیده است. گویی خلقی تازه و آفرینشی نو بنیاد و جهانی جدید پدید آمده است.» این خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ پنجم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۶.

۷. رجایی، فرهنگ، پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آفرنگ، نشر آذر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۶.

۸. رجایی، همان، ص ۸۶.

9. Simmonds, "Introduction", in Simmonds Roger and Hack Gary (eds), *Global City Regions: Their Emerging Forms*, London, Spon Press, 2000, p.3.

۱۰. رجایی، منبع پیشین، ص ۱۳.

11. Ulrich Beck, *Risk Society: Towards a New Modernity*, English Language Version, London, sage, 1992.

12. Edward W. Soja, "Sic Discourses on the Post Metropolis", in S. Westwood and J. Williams (eds) *Imaging Cities*, London, Routledge, 1997.

۱۳. رجایی، منبع پیشین، ص ۴۰.

سلطه اقتصادی و سیاسی در معرض جریان تغییرها و امکان مهاجرت باهدف‌رهایی از ظلم و ستم شود و با برطرف شدن فاصله‌ها میان جوامع، شاید در آینده کنگره‌ها و اجتماعهای بشری در يك مکان مجازی در کامپیوترها که در واقع مکان واحدی نیست برگزار شود.

جامعه بین‌المللی یا آنچه برخی از آن به عنوان جامعه جهانی یاد می‌کنند، دیگر در انحصار دولت‌ها و تصمیم‌گیران آنها باقی نخواهد ماند و می‌رود تا شامل هم روابط بین دولت‌ها و هم اقدامهای فراملی بین فعالان غیر دولتی شود. با این تلاش، پیشینه غنی تجربه انسانی نمی‌شود، بلکه همچنان که به گونه گسترده پذیرفته شده است، اگر جهانی‌سازی واقعا رخ دهد، باید بنا بر تعریف در هر جایی که روی دهد بر رفتار انسانی اثر گذارد.

هم اکنون ما مانند هر زمان دیگری در تاریخ پرفراز و نشیب خود با تحولاتی در ارزش‌ها مواجه هستیم که نیاز به ساز و کارهای ویژه خود دارد تا به گونه‌ای مطلوب پاسخگوی این ارزش‌های جدید باشد. از جمله این ساز و کارها، نظام سیاسی کشورمان است که باید در پرتو اصلاحات سیاسی به‌روبارویی با این تحولات بپردازد. برخی از این روبارویی‌ها در سطح ملی و برخی دیگر باید در سطح بین‌المللی و با مشارکت دیگر کشورهایی که با چنین مسأله‌ای درگیر هستند انجام شود. در سطح ملی باید مشارکت مردمی در دستور کار قرار گیرد و به عنوانهای گوناگون مردم درگیر حفظ سر نوشت خود شوند و یکی از این موارد، واگذاری قدرت در سطوح بالا و پایین به مردم است. بسیاری دیگر از مسائل و تحولات در سطح بیرونی رخ می‌دهد و به‌منصه ظهور می‌رسد، همچون مسائل زیست محیطی یا وضع قوانین حقوق بشر که باید برای تشکیل ائتلاف‌ها و اتحادیه‌هایی در جهت توسعه حقوق بین‌الملل گام برداریم و به تشویق و پیشبرد دموکراسی بین‌المللی بپردازیم.

بی‌گمان جهانی شدن توانسته است تغییر و تحول جدی در نظم موجود ایجاد کند و هم اکنون نیز تکمیل و پایدار شدن آن در شرف انجام است و تلفیق و ترکیب «فرآیند» با «طرح»، ما را به شناخت «برآیندی» رهنمون می‌کند که زمینه مقابله با پذیرش آثار گوناگون این پدیده را در ابعاد مختلف

○ جهانی سازی

ممکن است موجب آزادی مذهبی بر پایه گزینش واقعی، قرار دادن ساختارهای بزرگ سلطه اقتصادی و سیاسی در معرض جریان تغییرها و امکان مهاجرت باهدف‌رهایی از ظلم و ستم شود و باز میان رفتن فاصله جوامع از یکدیگر، شاید در آینده کنگره‌ها و مجازی در کامپیوترها برگزار شود.